

کرمان میفرید باینکه همه روزه تلگرافهای شکایتی که از رفسنجان و سایر نقاط میرسد آریا دولت این حاکم ظالم جبار را از آنجا معزول میفرماید آیا وضع حکومت بختیاری بر آقایان پوشیده است که چه میکنند بختیارها در هر کجا باشند تمذیبات آنها چیزی نیست که بر کسی پوشیده باشد ممکن است هیئت محترم دولت این حکومت بختیاری را تغییر بدهد و یک حکومت غیر بختیاری به آنجا بفرستد کرمانها از هر هرجا ملایم تر هستند هر چه دولت به آنها تحمیل کند می پذیرند پس خوب است هیئت محترم دولت یک حاکم غیر بختیاری برای آنها بفرستد و اگر هم به تقسیم باید به بختیاری حکومت بدهند خوب است به سایر قسمتهای دیگر هم بفرستند یعنی چند سال که در کرمان حکومت دارند یک چند سالی هم بسایر نقاط دیگر بفرستند تا از این فائده که به کرمانی ها میرسد بسایرین هم برسد از هیئت محترم دولت استدعا میکنم رفع مظالم این حاکم بختیاری را از کرمان بنمایند که بیش از این گرفتار تعدیبات سردار اسعد بختیاری نباشند

**رئیس** - سؤال این نبود باید سؤال بکنند منتظر جواب باشند.

**حاج میرزا مهر قاضی** - اولاً پوهائسی را که حکومت با سم حق الحکومه میگیرد خاطر مبارک مسبوق است یا خیر

**رئیس** - عرض کردم بموجب نظامنامه از حدود سواز خارج شدید سؤال که کردید باید منتظر جواب باشید یا حالا جواب میدهند یا جلسه دیگر

**رئیس الوزراء** - من از هیچک از اظهاراتی که ایشان اظهار نمودند مسبوق نیستم و سردار اسعد را هم یکی از حکام صالح میدانم و تا حال هم هیچ شکایتی از او نرسیده بهتر این بود که اگر دلائلی راجع به مسائلی که اظهار کردند دارند بگویند و مواد شکایات خود را بنویسند تا رسیدگی شود والا تا این ساعت من شکایتی از سردار اسعد ننشیده ام

**رئیس** - آقای رفعت الدوله میفرمایند که راجع بایشان رأی گرفته می شود و بعضی از آقایان مطلع نبودند که مقصود بنده چه چیز است و تقاضا کرده اند دوباره رأی گرفته شود حالا برای رفع اشتباه دفعه دیگر رأی میگیریم

**حاج شیخ اسدالله** - بقاضی نیم ساعت مجلس رأی داده چه طور میشود رأی گرفت اگر آقایان خبر نداشتند چه طور رأی دادند همه مسبوق بودند و رأی دادند اگر بنا شود باز رأی بدهند بنده برخلاف نظام نامه میدانم.

**رئیس** - چون بعضی از آقایان نمایندگان هم بایشان گفته اند اشتباه شده است میماند برای جلسه دیگر

**آقا میرزا علی کازرونی** - بلی برای بعضی اشتباه شده است

**محمد هاشم میرزا** - اگر اشتباه شده باشد

مجلس هم تصدیق کند باورقه باید رأی بگیریم  
**رئیس** - میماند برای جلسه بعد آقایان اعضاء کمیسیون خارجه و دست و تلگراف قبل از آنکه بمنازل

خود تشریف ببرند جلسه تشکیل دهند و هیئت رئیسه خودشانرا معین فرمایند و جلسه بعد راهم معین فرمایند که فوریت دارد دستور جلسه سه شنبه دوساعت بغروب اولاً بقیه مذاکرات دربر گرام هیئت محترم دولت ثانیاً تعیین اعضاء کمیسیون های قوانین مالیه و عدلیه کمیسیون قوانین مالیه دوازده نفر کمیسیون عدلیه هشت نفر ثانیاً تعیین یک نفر مباشر با این ترتیب مخالفتی نیست (مخالفتی نشد)  
(مجلس ۳ ساعت از شب گذشته ختم شد)

**جلسه ۳۱**  
**صورت مشروح مجلس یوم سه شنبه بیست و پنجم میزان سنه ۱۳۰۰ مطابق شانزدهم صفر سنه ۱۳۴۰**

**مجلس مقارن غروب و نعت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید**  
**صورت مجلس یوم شنبه ۲۳ میزان را آقای ندین قرائت نمودند**

**رئیس** - آقای مدرس (اجازه نطق)

**مدرس** - چون در وقت قرائت صورت مجلس آقای مشیرالدوله تشریف نداشتند لهذا بنده عرض می کنم که آقای مشیرالدوله در موقعی فرمودند بماده اول همین قسمی که در پروگرام دولت نوشته شده رأی گرفته شد یک شرحی بیان فرمودند و بیانشان این بود که مذاکرات مجلس در مواد پروگرام حقیقاً ضمن شرح ماده اول من و هیئت دولت نظریات و کلاه را بدست آوردند دیگر بغیر آن لازم نیست با این خصوصیات فرمودند بماده اول رأی گرفته شود در صورت مجلس این مسئله ذکر نشده است

**رئیس** - بسیار خوب همین مسئله در ذیل صورت مجلس اضافه می شود غیر از این دیگر عرض نیست (اظهاری نشد)

**صورت مجلس** با این اصلاح تصویب می شود - دستور امروز اولاً بقیه مذاکرات در پروگرام هیئت محترم دولت ثانیاً - انتخاب اعضاء کمیسیون قوانین مالیه و کمیسیون عدلیه

ثالثاً انتخاب یک نفر مباشر ولی یک مسئله دیگر که خیلی فوریت دارد وقت آقایان راز زیاد مشغول نخواهد کرد راپورتی است که در کمیسیون بودجه راجع بمهاجرین کیلان رسیده و طبع و توزیع شده است اگر آقایان مخالف نباشند جزء دستور بشود (گفتند - صحیح است) آقای سردار معظم خراسانی (اجازه نطق)

**سردار معظم** - بنده مقصودم همین فرمایشات حضرت عالی بود که میخواستم یاد آوری کنم راپورت کمیسیون بودجه جزء دستور امروز گذاشته شود چون مهاجرین کیلانی خیلی مستأصل و پریشان هستند

**رئیس** - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)  
**حاج شیخ اسدالله** - راجع بان انتخاب بکنفر مباشر تصور میکنم که دیگر محل حاجت نباشد

**رئیس** - در موقع انتخاب بفرمائید حالاً موقعش نیست

**حاج شیخ اسدالله** - چون جزء دستور فرمودید عرض کردم

**رئیس** - هنوز باین موضوع نرسیده ایم راپورت کمیسیون طبع و توزیع شده است و نزد آقایان هست قرائت میشود و رأی میگیریم

« آقای ندین ماده واحده را که از طرف کمیسیون بودجه پیشنهاد شده بود بمضمون ذیل قرائت نمودند کمیسیون بودجه در مراسله ۱۰۱۷۸ ریاست محترم وزراء عظام راجع بدرخواست بانزوددهزار ریال خرج مسافرت آقایان مهاجرین کیلان تحت بحث درآورده ماده ذیل رایشهاد مینماید

ماده واحده - مجلس شورای ملی تصویب مینماید که برای معاودت باوطنان خود از طرف دولت مبلغ ۱۰ هزار تومان فرض با آقایان مهاجرین کیلانی با مراعات شرایط تصویب نامه ۸۹۰۷ مورخه ۲۸ عترب بیچی ذیل در شرایط ذیل تأدیبه گردد

۱- اخذ ضمانت معتبر

ب - موعده پرداخت این قرض یکسال از تاریخ استقرار حکومت در رشت با قسط هسته متساویه در ظرف ۶ ماه است

ت - تقسیم این وجه بین آقایان مهاجرین کیلان با اطلاع یک هیئتی خواهد بود که جزو مهاجرین از بین خود انتخاب خواهند نمود

**سردار معظم** - فقط یک عبارت کدر کمیسیون تصویب شده و در راپورت از قلم افتاده و باید ضمیمه شود اینست که مجلس شورای ملی تصویب مینماید برای معاودت مهاجرین کیلان باوطنان خودشان مبلغ ۱۰ هزار تومان بعنوان قرض بآنها داده شود

**رئیس** - آقای فهیم الملک مخالفید؟

**رئیس الملک** - اگر ممکن است تصویب نامه را قرائت بفرمائید

**رئیس** - خطاب به آقای سردار معظم تصویب نامه اگر حاضر است قرائت بفرمائید و الا مفادش را بفرمائید

**سردار معظم** - مفادش در واقع این است که بکنفری راجع بمطالب آن راجع بضمانت های لازمه و تأدیبه اقساط و بالاخره مسائلی که در استقرائش وجه لازم میشود والا مطلب دیگری ندارد

**رئیس** - آقای فهیم الملک (اجازه)

**فهییم الملک** - چون سابق راجع به تصویب نامه شرحی شنیده میشد که یک مبلغ معین تصویب کرده بودند کدر یک مدت معین با آقایان کیلانها بعنوان استقراض داده شود حالا میخواستم ببینم که این وجه ۱۰ هزار تومان از آن مبلغ است یا علاوه بر آن مبلغ است یکی دیگر هم راجع بشرایط تصویب نامه بوده که می خواهم سؤال کنم شرایط تصویب نامه را که ضمناً در اینجا ذکر کرده اند آیا آن شرایط رعایت میشود یا فقط شرایطی که در اینجا ذکر کرده اند که برای تأدیبه اقساط و مدت تأدیبه است

سر دارم معظم - اقساط ومدت تأدیه آنچه که در تصویرنامه بیان شده همان است که در راپورت ذکر شده و اگر شرایط قرضه دیگر هم در آن تصویب نامه هست که در راپورت ذکر نشده همین جهت در راپورت کمیسیون اشاره به شرایط تصویب نامه شده که آن شرایط محفوظ بماند.

رئیس - آقای سیدالملك موافقید یا مخالف؟  
سیدالملك - يك عرض داشتم راجع بر راپورت میخواستم عرض کنم که .

رئیس - موافقید یا مخالف؟

سیدالملك - موافقم

رئیس - پس بعد از يك مخالف بفرمائید آقای حاج شیخ اسدالله موافقید؟

حاج شیخ اسدالله - بلی موافقم

رئیس - آقای مستشار السلطنه موافقید؟

مستشار السلطنه - بنده مخالف بودم با ایرادی که آقای فهیم الملك فرمودند .

رئیس - پس موافقید؟

مستشار السلطنه - بلی موافقم

رئیس - آقای سیدالملك (اجازه نطق)

سیدالملك - بنده میخواستم عرض کنم که این وجه بچه اشخاصی داده میشود و علاوه بر این آقای سردار معظم فرمودند بعنوان معاودت بمهاجرین داده میشود باید دولت در نظر داشته باشد که اگر معاودت نکردند چه خواهند کرد آیا يك نظریاتی در این موضوع اتخاذ میکنند که آنها با وطن خودشان مراجعه کنند یا خیر؟

رئیس - آقای وزیر مالیه تشریف دارند جواب می دهند

وزیر مالیه - بنده تصور میکنم که باید این پول را در موقعی که میخواهند حرکت کنند بآنها بدهند تا مطمئن شد که میروند

سر دارم معظم - بعقیده بنده برای اینکه مطلب روشن و واضح بشود مجبورم عین مراسله که از طرف دولت نوشته شده بخوانم تا مطلب واضح شود (مراسله آقای رئیس الوزرا را که در این موضوع نوشته شده بود بمضمون زیر قرائت نمودند

ریاست محترم مجلس مقدس شورای ملی دام بقائه پس از انقلاب گیلان و متواری شدن اهالی و مهاجرت آنها بطهران علاوه بر اینکه از وجوه اعانه ادارات مرکزی و ولایات نسبت بقفرای مهاجرین از هر گونه مساعدت دریغ نشد چون متمولین و ملاکین آن جا بواسطه دوری از علاقه و تفریط دارائی در طهران با حالت اسفناکی زیست می نمودند در کابینه آقای سیدالملك اعظم بر حسب تصویرنامه مورخه ۲۸ هجری قمری بیچی نیل که مواد آن بنمره ۱ تقدیم می شود تصویب نمودند که از وزارت مالیه تا مدت ششماه ماهی سی هزار تومان بعنوان قرض مطابق صورتیکه در هیئت وزراء عظام تصویب و بوزارت مالیه ابلاغ شده با افراد مهاجرین پرداخته قبض ذمه با تضمینات لازمه که وزارت مالیه ترتیب آن را خواهد داد از آنها دریافت دارند که از قرار صدی دوازده فرع علاوه بدهند و موعد

پرداخت وجه استقرض یکسال پس از رفع فائله گیلان با قساط سه در اول هر ماهی باشد وزارت مالیه برای تضمین استقرض ملاکین ورقه ضمانت نامه از معتبرین و متمولین گیلان ترتیب داده و معادل دوپست و هشتاد هزار تومان استقرض دولت را ضمانت نموده اند که بشرح تصویب نامه در موعد خود هر کدام بهر مبلغی که ضمانت وجهی را نموده ملتزم بادای آن باشند در مقابل این تصویب نامه و ضمانت تقریباً ماهی سی هزار تومان در چهارماه قوس و جدی ودلو تمام و در حوت بیچی نیل قسمتی از سی هزار تومان با اهالی قرض خواه گیلان پرداخته شده - در کابینه سابق نیز بموجب تصویب نامه ۱۴۵۴ مورخه ۲۵ حمل ۱۳۰۰ که سواد آن بنمره ۲ ضمیمه است برای رعایت ملاکین فوق الذکر مبلغ شصت هزار تومان تصویب شد که از بانک شاهنشاهی استقرض بمهاجرین گیلانی داده شده و در عوض املاک آنها رهن گرفته شود که در انقضای مدت اگر دین خود را نپرداختند املاک آن ها ضبط شود در اجرای این تصویب نامه بواسطه حاضر نشدن بانک بادای تمام وجه استقرض فقط پانزده هزار و چهار صد تومان در برج ثور بشرایطی که در تصویب نامه ذکر شده نبوده پرداخته شد و بقیه تأدیه نگردید برای اینکه مشارالیهم بتوانند با وطن خود مراجعت کنند اخیراً در برج سرطان بوزارت مالیه اجازه داده شود که پانزده هزار تومان دیگر با شرایط تصویب نامه ۱۴۵۴ علاوه بر قرضهای سابق در مقدار این املاک آنها بملاکین مشارالیهم پرداخته شود - نظر باینکه هنوز قسمتی از حضرات علماء و ملاکین گیلان نتوانسته اند با وطن خود معاودت نمایند و قادر بر خرج مسافرت نیستند و علاوه اقامت آنها در مرکز بانداستن وسایل اعاشه جز زحمت و مشقت برای خودشان و بالتبقیجه برای دولت نتیجه ندارد

دولت مقتضی میدانند پانزده هزار تومان دیگر با شرایط فوق به آقایان قرض داده شود مراتب را اطلاعاً اشعار داشت که در صورت تصویب مجلس مقدس شورای ملی قرار پرداخت آن داده شود این قسمت اخیر همان پانزده هزار تومانی است که از طرف دولت تقاضا شده به گیلانیها داده شود و تصور میکنم که مطلب پس از قرائت مراسله آقای رئیس - الوزرا روشن شد در کابینه سیدالملك قرار گذارده بودند که ماهی سی هزار تومان بعنوان قرض در مقابل وثائقی که از ملاکین رشت دریافت میشود بمهاجرین داده شود حالاً طرز تقسیم این سی هزار تومان خوب بود و باید بود و آیا واقعاً باشخص مستحق داده شده است یا نه از موضوع کلام ما خارج است سه ماه تمام این پول تأدیه شده در ماه چهارم گویا پانزده هزار تومان تأدیه شده که بالاخره در این چهار ماه چندین هزار تومان تأدیه شده پس از سقوط کابینه سیدالملك استقرار حکومت سیدضیاء بازم مهاجرین گیلانی که پریشان بودند متوسل بدولت شدند و نصف مبلغی که در کابینه سیدالملك تصویب شده بود تصویب شد یعنی قرار شد چهارماه هر ماه پانزده هزار تومان بآنها پرداخته شود باز با همان شرایطی که قبلاً شده بود و قبوضاتی وزارت مالیه تهیه کرده بود که در مقابل وجهی که مهاجرین

گیلانی میگیرند املاک آنها و بالاخره دارائی آنها در مقابل آن وجوه پس از انقضای مدت و عدم پرداخت ضبط شود پس از سقوط کابینه سیدضیاء بازم البته مهاجرین گیلانی که در طهران بودند و بواسطه اوضاع رشت هیچ نوع دست رسی بملاقات خود و املاک خود نداشتند و نمیتوانستند امرار معیشت در طهران بنمایند و زندگانی خود را تأمین نمایند خصوصاً با کسانی با بازار تجارت و با بی پولی عمومی بازم متوسل بدولت شدند از طرف دولت هم پیشنهاد شده پانزده هزار تومان بعنوان قرض به گیلانیها داده شود حالا اسم آن پول را هر چه بخواهید بگذارید خرج سفر یا خرج معاودت ولی حقیقت امر این است مادام که دولت موفق بر رفع فائله گیلان نشود مادام که دولت امنیت کامل گیلان را مستقر ننماید مواد املاک دولت دست اشرار را از سر این اشخاص صلح و سلامت طلب کوتاه نکند گیلانیها قهرآیند میتوانند با وطن خود مراجعت نمایند (صحیح است)

چون این قسمت اهالی بدبخت مملکت ما بواسطه میل خودشان باینجا نیامده اند بلکه وقایع و حوادث دست آنها را از خانه و زندگانی خودشان کوتاه کرده است و البته ما مکلف هستیم که دست برداری را بطرف آنها دراز کنیم (صحیح است)

واز آنها نگاهداری نمایم و بالاخره زندگانی آنها را تأمین نمایم البته در میان گیلانیها اشخاصی هستند که شاید از سی هزار تومان سابق استفاده میکردند در صورتیکه هیچ نوع استحقاقی نداشتند لهذا تصور میکنم از نقطه نظر تقسیم وجوه هم باید نهایت موافقت بشود بالاخره این پول باید بآن گیلانی هائی داده شود که اعتبار دارند ولی دسترسی از طهران بملاقات خودشان ندارند و مستقیماً باید بآنها کمک کرد که لااقل زندگانی ساده آنها تأمین شود و مجلس شورای ملی باید بآنها رعایت کند و باینکه خود گیلانیها يك صورتی تهیه کرده بودند ولی ما مراجعه بآن صورت رادر کمیسیون لازم ندیدیم و مطابق پیشنهاد دولت اساس پانزده هزار تون را تصویب کردیم برای اینکه در تقسیم این وجه اعمال غرض نشود و مثل سابق يك قسمت از این وجه باشخاصی که هیچ نوع استحقاق دریافت آنرا ندارند نرسد و ملاحظه کردیم که خود مهاجرین گیلانی از درجه استحقاق هم دیگر بهتر مطلع هستند لهذا چنین قرار شد که مهاجرین يك هیئتی از میان خود انتخاب نمایند تا پس از آنکه تأدیه این مبلغ تصویب شد آن هیئت این وجه را در بین خود تقسیم نمایند باین ملاحظه است که ماده واحده از طرف کمیسیون بودجه تصویب شد اگر چه با موافقتی که در دولتی حاصل کرده است با فتوحات و ورود قشون دولتی بر رشت امید می رود که مهاجرین گیلانی محتاج بدرخواست مجدد نشوند و مراجعت با وطن خودشان موفق بشوند چون عرض کردم مهاجرین گیلان از روی میل و رغبت در طهران مانده اند و در حقیقت از ماندن خودشان در طهران منزه هستند و هیچ آرزویی ندارند جز اینکه وسائل مراجعت با وطنشان فراهم آمده هر چه زودتر معاودت کنند زیرا همین اشخاصی که آنجا

می بینید فعلا نهایت درجه استعناق را دارند و نهایت درجه مستأصل هستند در محل خودشان خیلی دولتند و غنی هستند و در میان آنها یافت میشوند شخصی که دارای سیصد هزار چهارصد هزار یا سیصد هزار تومان تمول هستند زیرا دست رسی باو طمان بود ندارند حالا اگر اتفاقاً بر فرض معال وسایل معاودت گیلانها به گیلان فراهم نشد یعنی بآن زودی که ما امیدوار و منتظر هستیم در گیلان امنیت و نظم استقرار پیدا نکرد حتماً مجلس شورای ملی باید بداند که در برج دیگر هم ز يك هجده مساعداً بیاید بهماجرین گیلانی بکنند زیرمجلس و هیئت دولت مرکزی وسایل مراجعت آنها را آماده نکرده است لهذا باید همان مجلس و همان دولت مرکزی دست کمک و مساعدت را بطرف آنها دراز نماید این مطلب هم لازم است گفته شود اینکه آقای وزیر مالیه فرمودند این مبلغ خرج مسافرت آنها است و باید در موقع حرکت بانها داده شود اینطور نیست این خرج یومی آنها است و باید گذران نمایند

رئیس - آقای سیدالملك قانع شدید

سیدالملك - بلی

رئیس - آقای مستشار السلطنه موافقت؟

مستشار السلطنه - بایانات آقای سردار

مظلم موافقت

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله

حاج شیخ اسدالله - بنده موافقت

رئیس - آقای آقا سید فاضل موافقت؟

آقا سید فاضل - بلی بنده هم کمال موافقت

را دارم

رئیس - پس دیگر مخالفی نیست؟ رای

میکیریم بماده واحده کمیسیون آقایانی که تصویب

می کنند ورقه سفید و آقایانی که رد می کنند ورقه

کبود خواهند داد

« در این موقع اخذ آراء بعمل آمده و آقای

سهام السلطان شروع » با استخراج آراء نموده نتیجه

باین ترتیب حاصل گردید

« همه حاضر در جلسه ۶۸ نفر - ورقه سفید

علامت قبول ۵۹ « ورقه آبی علامت رد ۱

امتناع ۸

اسامی قبول کنندگان

آقایان: حائری زاده، آصف المالك، حاج

امین التجار، سلیمان میرزا، میرزا طاهر تنکابنی،

منتصر الملك، مستشار السلطنه، آقا سید محمدتدین،

رکن الملك، غضنفرخان، صدر الاسلام بهری، آقا

سید حسن مدرس، رئیس التجار، سردار معظم

کردستانی، شریعتدار، آقا شیخ ابراهیم زنجانی

میرزا علی گازرونی، ملك الشعراء، رفعت الدوله، میرزا

هاشم آشتیانی، امین الشریعه، سلطان العلماء، احتشام

الدوله، آقا سید حسن کاشانی، شیخ الاسلام لایری

مشیر الدوله، و قارالملك، میرزا ابراهیم قمی، عدل

السلطنه، خلیل الملك، فهیم الملك، سردار مخم سدید

الملك، اقبال السلطان، آقا سید فاضل کاشانی، منتصر الدوله، حاج نصیر السلطنه، میرزا محمد نجات، عمید الممالك، آقا سید یعقوب، حاج میرزا مرتضی، عماد السلطنه خراسانی، عماد السلطنه طباطبائی، حاج شیخ اسدالله، حاج میرزا اسدالله خان، آقا سید کاظم آقا شیخ محمد جواد، محمد هاشم میرزا، سردار معظم خراسانی، سهام السلطان، دکتر لقمان، امیر ناصر، نصیردیوان، مؤتمن السلطنه، بیان الدوله، شیخ العرافین زاده، حاج مقبل السلطنه، میرزا ابراهیم خان، شاهزاده نصرت الدوله.

رد کننده آقای حکیم الملك

رئیس - راپورت کمیسیون تصویب شده مذاکرات در ماده چهارم پروگرام در جلسه قبل ختم نشده بود بعضی از آقایانهم اجازه خواسته بودند - آقای آقا سید فاضل (اجازه نطق) آقا سید فاضل - ماده چهارم مشتمل بر چندین جمله است و بنده در دقیقه ۱۰ یکی حذف و تقلیل مخارج دیگری تکثیر عایدات باشد نظریه داشتم و خواستم خاطر نشان کنم البته هیئت محترم دولت از وضعیت فقر عمومی بخواهی مستعجزند خصوصاً که موجبات فقر عمومی بواسطه جنگ بین المللی و اخیراً بواسطه کساد و سد ابواب تجارت خیلی فوق العاده شده است و چون بنده این عبارت تکثیر عایدات را ولو اینکه بعضی آقایان جمله های دیگری برای او پیدا کردند ولی بنده این عبارت را تقریباً وضع مالیات جدید میدانم و با این وضعیت فقر ملت قبل از اینکه دولت جمع و خرج را تعدیل نماید قبل از حذف ادارات لااقلال که ابدأ ثمری ندارد و در نظر خود دولت هم فائده ندارد بنده معتقد نیستم که مالیات جدیدی بر ملت تحمیل نمایند اگر چه معلوم است من له النعم ضعیفه الزم کسی که غنیمت بر است غرابت کش هم هست واضح است ملت باید غرامت مخارج دولت را بدهد لیکن این در صورتی است که از این فقر و فاقه عمومی نجات مینماید امیدوارم در ترکیب ماده سوم که تکثیر عایدات و فوائد عامه باشد فقر و فاقه عمومی رفع شود آنوقت اگر دولت صلاح بداند وضع و تحمیل مالیات جدیدی بکنند والا بنده در سهم خودم عقیده ندارم به تحمیل يك مالیات جدیدی این يك فقره که راجع به تکثیر عایدات بوده و چون بنده این مواد پروگرام را بعقیده خودم فهم فرض میکنم بعد از ماده اول که راجع بسپاست خارجی است این دوماده را خیلی اهمیت میدهم که یکی راجع بقشون باشد که بعد کفایت مذاکرات در آن موضوع شد دیگر ماده راجع بمالیه چون بعد از این ماده ماده نخواهد بود که جلب معلم و متخصص را از خارج لازم داشته باشد خواستم خاطر نشان کنم که بنده کمال موافقت را با جلب متخصص چه از برای حقوق چه از برای فوائد عامه چه از برای مالیه دارم و هیچ مضر نمیدانم مسلم است همه کس علی الطبعه همه چیز را نمیدانند و هیچ نقصی برای ملت ایران نیست که در بعضی از فنون برای تعلیم متخصصین از خارج بیارند ولیکن باید خیلی مفید شد که آنها در حدود معلمی

و در حدود اینکه کار یاد بدهند در يك مدت خیلی محدودی بآن ترتیب که فعال مایشاء و حا کم ملی الاطلاق نباشند آنها را استخدام مکنند امیدوارم که آنطور نخواهد شد فقط بعضی تذکار عرض کردم که در جلب متخصصین معلمین موافقم لیکن مشروط بر اینکه در حدود معلمی و کار یاد دادن باشند.

رئیس - آقای فهیم الملك (اجازه نطق)

فهیم الملك یکی از موارد پروگرام که حقیقتاً حائز اهمیت است همین ماده است و باید تصدیق کرد که از برای اجرای این ماده هیئت دولت مصارف باین مشکلاتی هم خواهند شد زیرا تمام فقراتی که در این ماده هست از قبیل تعدیل بودجه تقلیل مخارج اضافی مخصوصاً وصول بقایا و غیره دولت را با يك مشکلاتی مقابل خواهد نمود در موادی که حتماً موافقت و کمک مجلس شورای ملی از برای پیشرفت امور لازم است همین ماده است که دولت برای اصلاح این امر محتاج بکمک های مجلس خواهد بود زیرا علاوه بر اینکه مسئله مالیه یکی از وظائف مخصوصه مجلس است دولت هم برای اصلاح این امر محتاج بکمک های واقعی مجلس خواهد بود و حقیقتاً وضع مالیه را قیاس مفید است زیرا می بینم دولت دارای يك بودجه که جمع و خرج را کاملاً تعدیل نماید نیست البته هر کس و هر تاجر و هر خانزاده که میزان دخل و خرج خودش را نداند محکوم بورشکستگی خواهد شد دولت هم در موضوع مالیه همین حالت را دارد و تا امروز پس از پانزده سال مشروطیت که موفق به تهیه بودجه که جمع و خرج دولت در آن معین باشد نشود کارها اصلاح نخواهد شد باید گفت تا اندازه هم تصحیر باخود ماها بوده یعنی ترتیب محیط اینطور بوده و اینطور پیش آمد کرده بود زیرا سابق بر این هر وقتی خرجی از برای دولت میخواستند تصویب نمایند اساس داشت (قبل از مشروطیت را عرض می کنم) هر خرجی پیش می آمد وزارتخانه مربوطه مراتب را بمقام صدارت پیشنهاد می کرد و صدارت بعرض شاه میسازید هر قدر که لازم بود باید معنی برای آن تعیین نمایند و تعیین محل یکی از چیزهایی بوده که وقتی پادشاه که رئیس مملکت و تمام اختیارات بعهد او بوده برای اولاد خودش هم اگر میخواست تعیین مواجب بکند بدون تعیین محل غائب متوفی ممکن نبود و همین ملاحظه بود که در عرض چندین سال جمع و خرج را در حال موازنه نگاهداشته بودند پس از مشروطیت این ترتیبات سابق را بعنوان اصول کهنه و دراز نویس قبل از آنکه اصول صحیحی قائم مقام آن بکنند از میان بردند دیگر تصویب مخارج مفید بهیچ اصولی نشده اینقدر لازم بود يك اشخاصی تقاضا بکنند و یکنفوری اصرار و توصیه ویا بالاخره بشب نامه و روزنامه يك مخارجی را بتصویب برسانند یعنی هیئت دولت و وزراء آن خرج را تصویب بکنند و هیچ اهمیت ندادند که آیا معنی برای پرداخت آنچه هست یا نیست یکی دیگر از چیزهایی که خرج و دخل را از موازنه خارج کرد که تا امروز هم موفق

بموازنه و اصلاح آن نشده اند اینست که اساس خرج يك ترتیب متین و محکمى نداشت همینقدر مخارجی لازم بود از تصویب میگذاشت در صورتی که قبل از مشروطیت که ادارات دارای تشکیلات نبوده و روزیری که با یکدسته اجزاء و کس و کار خودش وارد میشد ابدأ حقوقی و مقرری نداشتند و بمایدات اتفاقی و دخل میبایستی زندگانی کنند و امرار معاش نمایند بعد از تغییر کردن وزیر وزیر جدید همیشه با یکدسته دیگر می آمدند و میرفتند مراجعه بدوسیه های سابق وزارتخانه ها ثابت خواهد کرد که هیچگونه مواجب و مقرری در بودجه ها باسم وزارتخانه نبوده و اگر چیزهایی بوده فقط صورت سازی و برای مخارج اشخاص بوده حتی مخارج قشونی از محل مواجب و مستمری بوده مخارج واقعی قشون نبوده و همین واسطه هم اگر يك یادوسال پول با داره نمیرسد تعطیلی واقع نمیشد اتفاقی رخ نمیکرد یا اگر اتفاقی رخ می کرد کسی را متأثر نمی ساخت در ابتداء مشروطیت اولاً متوجه بهسئولیت کار شدند و بخاطر ها رسید که برای انجام این عقیده باید متوسل توسعه ادارات و تشکیلات اداری جدید شد لیکن متأسفانه در همانوقت هم احتیاجات اصلاح را بمد نظر نیاروردند که برای انجام وظائف محوله بهر اداره چه تشکیلاتی لازم است فقط بعضی از نظام های خارجی را سرمشق قرار دادند و تشکیلاتی که در آن نظامنامه بود همین از روی آن رفتار کردند عدّه ارباب رجوع هم زیاد و البته بازم زیادتر میشد از آنوقت هم بنا شد که مقرری و حقوق دارا بشوند عدّه داوطلب برای خدمت هم روز بروز زیاد میشد تشکیلاتیکه از نظامنامه بود تشکیل میشد بعد يك ادارات دیگری بيك عنوان جدیدی برای دخول اشخاص تأسیس مینمودند و بالاخره اگر هیچ کاری پیدا نمیکردند بعنوان مقتضی اجراء زیاد میکردند چون دیگر مایه نداشت حالاً ملاحظه بفرمائید موضوع خرج باین شکل که مبنی بر هیچ اساسی نبود و تصویب خرج هم بطوریکه در بودجه ها منظور بود در مقابل عایدات آن معلوم نبود و مخارج مفید بهیچ شرطی نبود بدیهی است قهراً در همچو بودجه که در مقابل مخارج عایدات تعیین نباشد موازنه پیدا نمیشود.

از سال ۱۹۰۰ دولت شروع کرد بقرضهائی که برای کسر بودجه این قرض متدرجاً ادامه پیدا کرد هر سال بقرض خارجی بمملکت تحمیل شد و ضمناً متوسل تکثیر عایدات هم شدند قبض مالیاتها از قبیل فروش - تعدید - دخانیات - باندلر و غیره وضع کردند وضع این مالیاتها هم در ابتدا با زرد روی يك اساس صحیحی گذارده شده که اداره بشود هر چند که اروپائیها مداخله داشتند صورت اداری داشت وقتی که از دست آنها خارج میشد با جاره و گذار میشد با وجود اینکه اجاره منافی منافع مملکت است مع هذا با جاره داده میشد تا امروز هیچک از این عایدات با نظوری که تخمیناً پیش بینی شده بود نتوانسته اند وصول کنند و میزان هیچکدام در دست نیست سابقاً هم که مالیات ارضی بود بدیهی است وقتیکه مخارج بدون قید و شرط داشتن عایدات تصویب شود توجهی بآن

مالیاتها نمیشود در قدیم يك صورت جزو جمعی بود که ابواب جمع حکامی شد و تا مدتی که آن مالیات ابواب جمع حکام شود در هر سال معین بعنوان تفاوت عمل از آنها گرفته میشد ولی اینصورت جزو جمع ناقصی هم از بین رفت بنده دو سال و نیم که خزانه دار بودم هیچ صورت جزو جمع ندیدم و اگر ما مؤدین مالیه عایداتی تحویل میدادند بایستی از آنها تشکر نمود یعنی يك سندی در بینه نبودند که معلوم شود ابواب جمع آنها وضعیت و صورت عایداتی آنها از روی چه میزان است بلکه میبایستی خزانه منتظر باشد هر چه آنها دادند آنها را وجود باز یافتی بدهند در اینصورت موفق نشدند که صورت جزو جمعی برای آنها تهیه نمایند علاوه وضع تشکیلات شکل دیگری شد که در مراحل اولیه بصورت اداری کتابچه دفتر و غیره داشت ولی در مراحل ثانیه هیچ ترتیب صحیحی نداشت.

البته آنها با یکدیگر وفق نمی دهد بهمین ملاحظه بود این مالیاتی فرق اسناد تحمیل نمیشد در صورتیکه بدولت چیزی عاید نمیشد و در خزانه چیزی وارد نمیشد منافع و عایدی دولت اینقدر که می گویند کم است کم نیست سال قوی ثیل بالنسبه در این چند سال اخیر بهترین سالها بود قدری امنیت در مالیات بودو عایدات خوب وصول شد بودجه آنسال تقریباً ۴۴ کروزر شد و از این مقدار تقریباً هفت هشت کروزر از وجوهی بود که دولت انگلیس کمک خرج داده بود باقی از مصلیهای دولت پرداخته میشد با وجود آنکه تبریز که میبایستی سه چهار کروزر عایدات بدهد بواسطه اینکه در حال افشاش بود قریب یا نصد شصدهزار تومان هم از مرند پول بانجا داده شد گیلان که مطابق جمع حساب باید شصصد هفتصد هزار تومان عایدات داشته باشد نداشت و برای آنچاهم مبلغی خرج شد مع هذا سی و چهار پنج کروزر عایدات دولت بود و خرج شد در هر سال بنده اقدام کردم که صورت جمع و خرج مملکت طبع و توزیع شود و ششماه آن حاضر شد و ششماه قانونی هم نزدیک بود بشود که دیگر بنده موفق بانجام آن نشدم و اخیراً از آقای رئیس الوزراء خواهش نمودم که شرحی بوزارت مالیه مرقوم بفرمایند که بقیه آن حساب را طبع نمایند تقریباً در برج اسد هدهالسه بود و تا بحال که دوماه گذشته است متأسفانه هنوز اقدامی نکرده اند و از

قراریکه شنیده ام دستخط ایشان هنوز در جریان است امیدوارم آقای وزیر مالیه توجهی بفرمایند که آن صورت زودتر طبع شود بطوریکه در مقدمه عرض شد در آنصورت مقدار خرج هست و عایداتی هم که دولت توانسته است وصول نماید در آنجا هست البته اینصورت يك توضیحاتی خواهد داد آقایان را متوجه خواهد کرد که عایداتی که ممکن بوده است وصول بشود چه بوده در حالیکه مالیات دخانیات هم که در سه بیچ تأسیس شده در آن سال نبوده است بنابراین میتوانم امیدوار باشم که دولت با این مخارج گزافی که امروزه دارد موفق بدربافت عایدات خودش بشود و اگر بخواهد بعضی اشکالات را رفع میکنند باید آن توقعاتی که از طرف بعضی اشخاص در بینه هست هر ساعت توقعاتی برای

کسر مالیات های خودشان بکنند و استتکاف از دادن مینمایند باید آنها را رفع کنند و اهمیتی ندهند البته باین ترتیب ما باین اندازه کسر بودجه نخواهیم داشت و آنوقت این حال فقر و فلاکت که تصور میشود از بین خواهد رفت و اینقدر در مضیقه نخواهیم بود اصل مقصود بطوریکه آقای سردار معظم اشاره فرمودند تقریباً است ولی جلوگیری از تقریباً منحصر بهمان مجازات نیست يك قسمت آن مربوط به نبودن مجازات است و يك قسمت عده آن این است که حساب در کار نیست البته اگر دولت بخواهد از هر مؤدی مالیات بدیهی مسلم او را بگیرد و در مرکز ادارات ثابت و معینی تشکیل بدهد البته او هم باید مطمئن باشد که آنچه بدولت میدهد در تحت يك دستور عمومی میدهد نه اینکه يك اشخاصی برای اعمال نفوذ و دارا بودن مقام عالی از دادن مالیات استتکاف مینمایند و بیچارگان دیگر بار آنها را بدوش می گیرند و باید عهده دار مالیات آنها هم بشوند مسئله دیگر بر آن که در این ماده پیشنهاد کرده اند و خیلی اهمیت دارد همان مسئله تعدیل است ولی این مسئله هم يك اشکال دیگری دارد چون مالیات ارضی و مالیات مستقیم باید در مملکت باید از روی يك اساس معینی باشد که هم زحمت دولت و هم زحمت مالیات دهندگان و هم زحمت مؤدین کم بشود مثلاً مالیاتها در بعضی جاهای در خمس است در بعضی جاهای عشار است در بعضی جاهای عشار است در هر جا يك شکل است مسئله دیگری که بیشتر اسباب زحمت است مالیات خالصجات انتقالی است که يك قسمت عده مالیات دیوانی است که آنها هم جمع دیوانی سابق را باید بدهند و هم مالیات و هر کدام يك توقعات بیجائی دارند زیرا در آن عصر که آنها مالیات میدادند يك مساعدتهائی برای آنها منظور میشده است که امروز ممکن نیست مثلاً تیول داشته اند شخصیت داشته اند و امروز الحق نمی توانند بدهند

از ابتدای تغییر هر کابینه صفحات روزنامه پر میشود که آقای وزیر برای وصول بقایا تلگرافات کردند و چنین و چنان کردند ولی وقتی که آقای وزیر معزول میشوند می بینم بیک قدر ارقام دیگر هم بر بقایای سابق افزوده میشود و هیچ نتیجه از آنها گرفته نمیشود زیرا دولت اساس وصول مالیاتش بهیچ پایه گذاشته نشده در بعضی مراحل صورت جدیدی و در مراحل دیگر صورت قدیم دارد پس باید برای وصول بقایا تصمیمی بگیرند که نقل شدن از دقاتر سال گذشته بسال دیگر موقوف بشود يك قسمت از بقایا را مؤدیان مالیاتی اصلاً استتکاف می نمایند بواسطه دعوی که دارند و با بعضی بخارج تراشیده اند و مالیات نداده اند و این اشخاص همه سال بعنوان اینکه حساب مالیات سال گذشته ما ختم نشده است مالیات این سال را هم نمیدهند و بالاخره دولت باید با آنها کارا تمام کند و تکلیف آنها را از حالا بعهده معین کنند علاوه بیکمده املاکی است که جدیداً تأسیس است ولی در ثبت دیوانی نیست و یکمده املاکی هست که خراب شده و آنها همان مالیات سابق را می دهند پس مسئله که اهمیت دارد قانون ممیزی است و وزارت مالیه باید يك همچو قانونی را تهیه کرده زودتر بمجلس بدهند تا بتوان برای مالیات صورت خروج صحیحی تهیه نموده

ومالیات ثابت قانونی معین شود و برای مأمورین هم وصول آن اشکالی نداشته باشد تا مادامیکه مالیات در يك اصل ثابت معینی نیست البته اداره کردن آن مشکل است و شخص وزیر مالیه ملک که بتواند تمام جاما احاطه داشته باشد البته باید قانون نوشته شود زیرا با هر مودی بابت طرز مخصوص نمیشود مذاکره کرد و باید يك اساسی معین درین باشد و همچنین قانون دیگری که در ضمن لازم است قانون اصول مالیات است و برای آن هیچ اصلی فعلا در کار نیست باید اصلی باشد که مؤدیان مالیات تکلیف خود را دانسته و در موعد معینه مالیات خود را بپردازند و اگر نپرداختند بدانند دچار سختی خواهند شد آنوقت است که ارقام بقایا کم خواهد شد بنابراین چیزی که بنظر بنده میسر است برای اصلاحات مالیه باید مقتضیات مملکت را در نظر گرفت و صرف نظر از نظامنامه‌های اروپائی یا جای دیگر نموده بنده رعایت حال اشخاص را منکر نیست ولی نه تشکیل ادارات را برای رعایت حال آنها خراب کرد.

اینکه خزانه دار مداخله در خرج داشته باشد کسی که پول نزد او است حق خرج کردن نباید داشته باشد و باید اصولی اتخاذ کرد که کالا در تحت تقبیل باشد زیرا واقعا اضافه خرج فقط منحصر باین نیست که بگوئیم چند نفر اجزاء وزارتخانه ها زائدند و یا حقوق آنها زیاد است غیر از آنها مخارج دیگر هم هست مثلا يك اعتباری را که مجلس یا دولت برای فلان اداره تصویب میکند (فرضا پنجاه هزار تومان) بدیهی است این مبلغ که تصویب شده تخمینی است همینکه گفته شد این پول تصویب شده فوراً آن اداره تا دینار آخرش را دریافت میدارد از کجا معلومست که همه آن اعتبار مصرف شده ممکن است اصلاح خرج نشده یا آنکه يك مقداری از آن به صرف رسیده باشد از این قبیل مخارج در تمام ادارات جاری است که هیچکدام موقع ندارد ارسال و پیرارسال برای سوار های حکومتی و غیره و غیره پولهایی گرفته اند که صورتهایش را بنده داشتم و بکلی بی اساس بود خیلی اعتبارات بود که برای بعد تصویب میشد ولی همان موقعی که تصویب میشد فوراً دریافت مینمودند اینها پولهایی است که جمعا ضرر را دولت میکند و برای مخارج آنها هم کنتری نیست باید دانست که معنی تصویب کردن اعتبار آن نیست که معادل آن وجه حتماً از خزانه دولت خارج شود.

بعد از این چند مسئله اساسی آنوقت می رسیم بعمل مأمورین که از طرف دولت انتخاب میشوند باید از هر جهت تأمین شوند از حیث معاش از حیث کار و از حیث خدمتشان باید بدانند که در موقع خدمت از طرف دولت نسبت بآنها همه نوع مرحمت خواهد شد و در موقع خبط و خطا البته مجازات خواهند شد ان مسئله است که يك قسمت عمده اصلاحات مالیه را ضمانت میکند.

دادن مالیه دولت بدست مأمورینی که بهیچ چیز خودشان یقین ندارند نمایندند تا یکساعت دیگر به سفارش و توصیه چه اشخاص و مقاماتی ممکن است از کارشان خارج شوند و در موقعی هم که سر خدمت هستند شاید حقوق کافی ندارند ، البته صحت عمل از آنها توقع بی موقعی است همانطور که آقای سردار معظم فرمودند باید عده را که زیاد هستند حذف نمود و عده ای را که نگاه میدارند به آن ها حقوق کافی داد.

آنها واقع می شدند و يك وقتی آنها را پائین می آوردند که هیچکس از وجود آنها ساخته نباشد باید وزیر وقت هر کس هست در موضوع استخدام مستشاران اروپائی وزارتخانه خودش بداند ، بچه قسم از آنها میشود استفاده کرد مثلا با عارض سونمی یا چند نفر از سونمها که برای تأسیس اداره ژاندارمری آمده بودند که هنوز خدمات ایشان مورد تحسین است قبل از اینکه اینها بیایند آقای رئیس الوزرا عالی بنده حذف فراسورانی و تأسیس ژاندارمری کشیده واقف می گردید بودند بعد از اینکه معاین سونمی آمدند نخواستند به آنها زیاد کار رجوع کنند و نه بکلی آنها را بکار بگذارند بلکه مصمم شدند از آنها استفاده نمایند و همان مأمورین بقدری مطیع و در کار خودشان جدی بودند که تا امروز هم ما از توصیف آنها فروگذار نمی کنیم و بقدری از داشتن چنین وزیر خوشوقت بودند که بعد در کابینه های اشخاص دیگر هم همیشه برای کار ژاندارمری به رئیس الوزرا عالی رجوع میکردند ام از اینکه ایشان داخل کار بودند یا نبودند و این رویه جز از صاحب منصبان سونمی از سایرین دیده نمیشد معذاهمان مسیو برادریکه دارای اختیار قانون ۲۳ جوزا بود که وزرای مالیه از دست او شکایت داشتند و هیچ نمیتوانستند کار کنند در مدت وزارت مالیه آقای رئیس الوزرا عالی همه اشخاصیکه در سر کار بودند میدانند ترتیب اونسبت بوزیر مالیه آنوقت که رئیس الوزرا کنونی است چه بود و نسبت بسایر وزراء مالیه چه - معلوم است يك وزرائی که همیشه ملاقاتشان با يك نفر خزانه دار از روی توقع بوده ممکن نیست از او بتوانند توقع کار داشته باشند و يك سیاستی در این کار اتخاذ کنند متاسفانه از این صاحب منصبان سونمی که بگذریم مستشاران دیگر اینطور نبودند و برخلاف هر وقت آنها يك اختیارات و تقاضاهائی داشته اند دولت یا نتوانسته است تقاضای آنها را رد کند یا اگر رد کرده دیگر هیچ کار دیگر نکرده اند . من منکر این نیستم که بیث ایرانیها هم کسانی هستند که بتوانند کار کنند یا آنطوریکه آنشب مذاکره شد در اداره گمرک اشخاصی تربیت شده اند بنده هم مطیع هستم در اداره گمرک اشخاصی هستند که میتوانند گمرک را اداره نمایند ولی این را هم عرض میکنم که اگر آنها را بجای رسوا بلژیکی بگذارند آنجا هم مثل سایر ادارات میشود یعنی رؤساء و اجزاء مافوق به آنها دیگر اهمیت نمیدهند گمرک اگر بحال مالیه باقی مانده برای این است که هنوز مداخله مافوق در او نبوده و اگر ادارات گمرک هم اروپائی برود مثل سایر ادارات بحال بی نظمی می افتد بنابراین بنده عرض کردم با استخدام مستشاران اروپائی موافق هستم نه با شرایطی که تا بحال جاری شده و نه با وضع حاله آنها زیرا که بنده منکرم که مدت استخدام اروپائی بیش از چهار پنج سال باشد اروپائیها را دیده ام اگر بش از این مدت در ایران بمانند نمیشود کار به آنها رجوع کرد اشخاصیکه دیده اند و با اروپائیها در موقع ورودشان مذاکره کرده اند میدانند پس از شده با یکسال چه تغییراتی در عقایدشان داده اند و چه خیالات جدیدی از آنها پیدا شده بنابراین بودن ده بیست سال مستخدمین اروپائی در ایران هیچ صحیح نیست بلکه

ضررش بیشتر از منفعت است برای اینکه کار خودشان را کنار می گذارند و داخل بعضی مسائل حزبی و سیاسی میشوند اولاً باید مدت کثرت آنها ۳ سال تا ۴ سال پنج سال قرار دهند و تجدید هم نشود دوم شرط انتخاب آنها این است که خود آنها را گذار نکنند که یکی از رفقای خودشان را بجای خود تعیین کنند هر وقت مستشار از بلژیک میخواهند چون بنده در وزارت مالیه بلژیک بودم می دیدم که دولت بلژیک بقدر این مسئله اهمیت میداد اول از سفارت ایران تحقیق می کردند برای چه کاری میخواهند بعد در روزنامه اعلان می کردند که در ایران برای فلان کار مستشار خواهد شد ان اشخاصی که داوطلب هستند خودشان را معرفی کنند اشخاص هم که خود را معرفی میکردند وزارت مالیه بلژیک در آنها یکی یکی مطالعات و تحقیقات می کردند که کدام يك از آنها لایق هستند که بفرستند ولی اینجا بکس و بالاخره رفته رفته معمول شده بود که رئیس بلژیکی هر کس بود در اینجا از روی خود معرفی میکرد و بکثرت کثرت شده است بدون اینکه بوزارت مالیه بلژیک اطلاع داده شود البته اگر ما يك مستشارهائی از اروپا بخواهیم باید بعادت ایران که در آن دولت است رجوع کنیم او هم با ادارات مربوطه داخل مذاکره شده و يك یا چند مستخدم صحیح العمل که قابل باشند و دولشان مشولیت صحت عمل آنها را حمایت کرده باشد کثرت کند

مسئله دیگری که در این موقع لازم است عرض کنم اگر خاطر آقایان باشد در دوره اول مشروطیت بنده يك لایحه مفصلی در این باب نوشته ام بعد از آن هم تکرار کرده حالاهم عرض میکنم که دولت باید سعی کند که مستشار از داخله هم تربیت کند عوض اینکه از خارجه بیآورند یکمده هم از داخله بخارجه بفرستند چون تا بحال معمول بوده است که شاکرد برای تحصیل بخارجه میفرستادند ولی بنده عرض می کنم خوب است از اجزاء وزارتخانه ها و ادارات و اشخاصیکه لایق باشند و زبان خارجه هم بدانند بهر يك از وزارتخانه های خارجه بفرستند بنده از آنکه این پیشنهاد را کردم وقایع نگذاشت تعقیب شود خودم ابتکار را کردم و از مالیه خودم بخارجه رفتم و داخل اداره مالیه شدم و آنجا دیدم عده کثیری از چنین و ژاندارمری در آن ادارات مثلا اجرائی کار میکنند خیلی متأسفم که استطاعت بنده اجازه نداد که بیش از چهار پنج ماه بمانم ولی دیدم چقدر فایده دارد ولی اینجا بفرستد اروپائیها بهیچ وقت نباید منتظر بود که يك اشخاصی پیدا شوند که قائم مقام آن ها شوند دلالتی هم دارم و بدادم اشخاصی که میروند آنجا حقیقتاً در آنجا دلسوزی میکنند چنانکه وقتی من رفتم از طرف دولت هم توصیه شده بود ادارات آنجا مثل این بود که موظف هستند بنده را برای فلان کار تهیه کنند اگر هیئت محترم دولت اشخاصی از اینجا بوزارت های آنها بکار مخصوص مأمور کنند و هر کدام آنها را بگذارند يك سال دو سال متفاوت شغلی که باید داشته باشند در وزارتخانه های آنها کار کنند بعد از دو سال بنده مطمئن هستم بعضی داشتن چند نفر مستشار خارجه دارای پنجاه نفر مستشار داخلی باشیم که از همه چیز ما هم اطلاع دارند و معتاد به اطاعات مقاماتی هم نیستند مخصوصاً برای مالیه این بود نظریات بنده عرایض دیگری هم داشتم که به عرض میکنم و امیدوارم آقای وزیر مالیه و آقای رئیس الوزرا عرایض بنده را قابل

توجه خود بدانند و در زمینه های که عرض کردم موافق باشند . رئیس - آقای مدرس اجازه نطق - آقای فهیم الملک و آقای زنجانی تشریف ببرند بیرون برای انتخاب کمیسیون ها مدرس - اگر آقایان بروند بیرون همه یکمتر تبه میروند مجلس سرد میشد و در اینصورت بنده حرف نخواهم زد . رئیس - بسیار خوب تشریف نمی برند که مجلس گرم باشد . مدرس - بنده خیال نداشتم که در این ماده چیزی عرض کنم و منتظر بودم اشخاصیکه اهل جزایران ماده هستند فرمایشی کنند بلکه مقصودم این است که بفرمایند ولی متأسفانه نشنیدم یا نه میباید ، این ماده بفرمایش بعضی آقایان که فرمودند امال مواد است یعنی مملکت با این ماده درشت تر میشود این الفاظ که طرفین میگویند خیلی خوب است و آنچه از عقیده تمام آقایان نمایندگان می فهمم بعد از این مدت خرابی هم نظر اصلاح دارند یعنی این هیئت دولت و شخص رئیس الوزرا می کاخ اختیار کرده بودند که بدست ایشان این مطالبی که از این ماده نوشته شده است اجرا شود - پس باید چه کنیم که این ماده اجرا شود ؟ بلکه انشاء الله الرحمن بقصودی که ملت ایران و آقایان نمایندگان دارند موفق شویم اولاً بفرض آقایان وزراء یعنی هیئت دولت میرسانم که مطمئن باشند مادیر بجهت مخارج جاری مملکت دیناری قرض نخواهیم کرد مخارج جاری مملکت فرمودند این ماده مطالبی دارد که برای اجرای آنها بشکلات بر میخوریم - من هم تصدیق میکنم اگر مثل سابقش بخواهند رفتار کنند البته بشکلات بر میخورند و موفق هم نمیشوند آنوقت باید بکسورت ثانوی امیدوار نمود یعنی یا باید هیئت دولت کنار برود و مملکت همینطور بهرح و مرج بماند یا اینکه بلك وضع بدی سلوک کنند - بنده اول شرط اجرای این ماده را چنانچه در جلسه قبل هم عرض کردم حتماً توافق نظر بین مجلس شورای ملی و دولت میدانم این شرط اول اجرای این ماده است - شرط دوم همان است که در آن جلسه عرض کردم که باید دولت دوام پیدا کند امشب هم عرض میکنم و دیگر نمیگویم که کسی خیال نکند من طرفدار شخصی هستم لذامن شخصی نمی شناسم میگویم این دولتی که روی کار آمده است غیر از اینکه دو سال نگاهش داریم برای مملکت دیگر علاجی نیست اما راجع بطالب این ماده من با آن مسئله حذف و تقلیل مخارج موافق هستم و از روی فلسفه هم هست من میگویم مال بیت المال عمومی مسلمین را نباید مفت بکسی داد مذهب من هم همینطور میگوید که مال عموم را باید بکسی داد که برای عموم کار کند یک دینار بیت المال عموم را نباید بکسی بدهند که برای عموم کار نمیکند این خلاف ضروری تمام ملل دنیا است که مال کسی را بکسی دهند که برای او کار نمی کند و انشاء الله الرحمن اگر چنانچه مقصود آقایان است رسیدگی با اعمال دوره فترت بشود آقایان ملاحظه خواهند فرمود که در این مدت آنقدر مال عموم را که برمرد داده اند کمترش برای مصرف عامه و بیشتر آن بمناسبات شخصی بوده البته من که قدرت داشته ام سیاست شخصیم اقتضا کرده که يك مالی از بیت المال ملی خرج نکنم بهر حال حالا در مقام تنقید کسی نیستم در مقام اصلاح هستم

البته هر کس که ایران خواه باشد و عقیده داشته باشد که این مملکت برای ایرانی بماند باید مال عموم را خرج مصارف عمومی بکند من آخوندم البته آخوند باید کار آخوندی بکند و مزد بگیرد هر کس برای عموم کار کند از عموم مزد دادند هر کس کار خصوصی بکند از بیت المال نمیشود با پول داده پس من هم که میگویم هر کس کار نکند نباید یا دلیل داد صحیح است اما يك شرط داد و آ نشرط این است که خود من مفت بخورم (ای ما گرفته بند مده بند دیگران) بله اگر يك دولتی با يك توأم السلطنه پیدا شد و باین حقوقی که مجلس در باره او تعیین میکند قناعت کرد حقوق مرا حقوق هر کسی را حتی حقوق شاهرا هم نبرد یا کم کنند کسی نمیگوید چرا برای اینکه مال مال عموم است و هر کس خدمت بمعموم کند مزد باو میدهند و کسی که خدمت بمجموع نکند نباید از عموم مزد بگیرد این يك چیز تازه مشکلی نیست که بنظر مردم مشکل میآید تمام این مقامات که از سلسله های مختلف هستند شاهو رئیس الوزرا ، پارلمان حجه الاسلام تمام اینها نوکر خلقت یکی اسمش شاه است یعنی نوکر مردم یکی اسمش رئیس الوزرا است یعنی خدمتگذار مردم باید تمام اینها باید نوکری بکنند . . .

تأثبات تدوین اصولی که جلوگیری از حیث میل و تقریباً مالیه دولت بکند و طوری ثابت باشد که هیچ وزیری قادر بخرج نقدی آن نشود قانون وزارت مالیه را بنده دیدم مواد آن باید خوب در هر حال قانونی است از مجلس گذشته بعضی از مواد آن در آنوقتیکه بنده کار میکردم ناقص و اسببات زحمت بوده و از وزیر مالیه خواهش کردم کمی سونی تشکیل دادند از جمله آقای سردار معظم آقای طباطبائی و بعضی آقایان دیگر که سابق در کمیسیون قوانین مالیه عضویت داشته تقریباً شش ماه وقت خودشان را صرف کردند و قوانینی وضع کردند قانون که تمام شد وزیر هم امضاء کرد ولی اون کسیکه عملاً با آن مخالفت کرد همان وزیر امضاء کننده بود با این اصل البته قانون میچوقت دوام پیدا نمیکند و نخواهد گذاشت کار اداره بشود باید هیچ وزیری قادر بتغییر قانون نباشد و اگر تغییر هم لازم باشد همان مقام تصویب کنند و باید آنرا تغییر بدهد نه اینکه عملاً وزراء وقت تغییر دهند .

بعد از این دو فقره چیزیکه لازم است مسئله کنترل در خرج است مخارج ما امروزه تابع هیچ کنترل نیست یعنی خزانه دار وقت مطابق تشکیلات جدید پول در اختیار او است و هر خرجی را بخواهد بکند میکند درست است که بتصویب ریاست وزراء وزارت مالیه باید برسد اما بنده میبوسم که اگر خزانه دار خودش پول را صرف کرد بچه وسیله از او خواهند گرفت . بنده خوشوقت خواهم بود بلکه استدعا میکنم بحساب خزانه از مال یونت بیل که بنده داخل شدم تا امسال رسیدگی بکنند تا معلوم شود خزانه دار ها که یکی از آنها بنده هستم چه کرده اند و بخارجی که خزانه داران وقت بدون تصویب هیچکس حتی رئیس الوزرا و وزیر مالیه کرده اند چه بوده البته وقتی پول دولت اینطور آزادانه بدست يك اشخاصی باشد از این صورتهای حالیه بدتر خواهد شد باید پول در خزانه باشد ولی مخارج باید بتصویب هیئت دولت باشد بدون

سردار معظم

همه را نمیشود نوکر گفت فرق دارد . مدرس - بن بزبان فارسی خردم حرف میزنم و زبان خود را میدانم خدمتگذار مردم هستم شما تحصیل کرده ها را نمایندگم شما تحصیل کرده اید طور دیگر میگویند من نمایانم من میگویم بیغیران خدا هم که از همه برترند نوکر خلقت من میگویم آنها را خدا برای خلقت فرستاده فهمیدم ایراد کیا بود - از این مسئله میگذرم میخواهم بگویم دولت و آقای رئیس الوزرا گمان نکنند حذف کسی که پول از بیت المال مسلمین ببرند و کار نمی کند مشکل است خیر مشکل نیست اما از طرف دیگر بنده منکر تصمیم کسی که کار میکنند باید بقدر مصارف معاش و آبرویش از بیت المال باو پول داده ولی جای تأسف است که از بعضی اجزاء ادارات که می پرسند در آنها چه میکنی میگویند عرض میکنم دیشب مخصوصاً یکی پیش من آمده بود پرسید چه میکنید گفت در فلان وزارت خانه میروم ولی عجالتاً کاری ندارم گفته در صورتی که کاری ندارید چرا میروید ؟ گفت حقوقی داریم میرویم می گیریم بنده می گویم کسی که کار نکرده و خدمت نکرده نباید مزد بگیرد (گفته شد احسن است) البته خواهند فرمود این بشکلات بر میخوریم کار در مملکت زیاد میشود مده مسئله این است که اولیاء امور ما از هوچی می ترسند اشکالی که ما را در گرداب فلاکت انداخته است این است که چند نفری جمع می شوند يك حزب تشکیل میدهند و بنا می کنند به تنقید کردن و اسباب زحمت دولت شدن - انشاء الله الرحمن در این زمینه برای همین قسمتی که در پروگرام موقوف فرموده اید يك قانون استخدا می پیشنهاد مجلس بفرمایند و شرایطی برای داوطلبان که میخواهند وارد خدمت شوند در آن قانون تعیین شود که غیر از قوم و خویش با وزراء و و کلاه باشند غالباً دیده شده که هر وزیری روی کار می آید بیست نفر همراه خود می



اصول مسلمة مناطقی بود اگر دولت موافق با این اصل است خوب است بکنند نماینده دولت برخیزد و بگوید بلی دولت هم موافق با این اصل است و تقبل نماید که این اصل را اجرا نماید ولی این سکوت دولت مفهومش موافقت با این غرضی من نیست و اگر بر فرض مجال دولت با این نظریه مخالف بود من در مرتبه یاسه مرتبه یا بیشتر برمیخاستم و دفاع میکردم و بالاخره با من بدلائل دولت فافع میشدم و یاد دولت بدلائل من متقاعد شده و با من اعتراض می نمود این يك اصلی بود که در اینجا ذکر شد و گویا وزیر پست و تلگراف یادداشت فرموده بودند جواب بدینند . يك اصل دیگری که جالب نظر بود آن تقدم و تأخر اصلاحات است در پروگرام دولت جلب متخصیص برای اصلاحات مالمیه در آخر عبارات ماده چهارم ذکر شده و اگر آن ترتیب رجوع کنیم اینطور میشود تمیز کرد که دولت خود را مقید کرده است اول به حذف و تقابل مخارج دوم بتکثیر عایدات سوم تعادل جمع و خرج چهارم وصول بقایا پنجم اصلاحات اداره مالمیه ششم جلب متخصیص و مستخدمین خارجی در صورتی که تصور میکردم تمام این قسمتها را باید متخصیصین جلب میشوند اجرا کنند زیرا اگر ما خودمان صلاحیت اجرای این مسائل را پیدا داشتیم مستغنی از وجود متخصیصین خارجی بودیم در صورتیکه ما خودمان اعتراض می- نمائیم که مستغنی نیستیم پس در این صورت معلوم نیست چرا این مسئله در آخر ماده چهارم ذکر شده اگر این مسئله بدون دقت در تقدیم و تأخر نوشته شده اهمیت ندارد ولی اگر از روی دقت نوشته شده بنده مخالفم و معتقدم تقبل از آنکه هر قانونی بوقوع عمل و آزمایش بیاید و تصویب شود یعنی از فردا لازم است دولت مسئله جلب تخصص را تعقیب کند و در همین جلسه تصمیم خود را اتخاذ کند که متخصیصین فنی از اروپا از هر دولتی که صلاح میدانند بخواهد و البته از دول غیر هم جوار خواهد بود و اولین قدم اصلاح مالمیه همین خواهد بود اگر ما اشخاص بصیر و متخصیص نداشته باشیم در روی چه پایه و چه شالوده مالمیه خود را اصلاح خواهیم کرد دیگر عایدات و تقابل مخارج و تعدیل مالیات را بر روی چه اساس قبلا خواهیم داد اینها محتاج اتخاذ اصل و اساس است اطلاعات ما کافی نیست بالاخره متخصیص گاهی در مملکت خودمان نداریم که قادر باصلاح تمام این مطالب باشد پس این قدم اولی است که ما باید برای اصلاحات برداریم در این باب هم من لازم میدانم که آقای وزیر پست و تلگراف یا وزیر مالمیه چند کلمه توضیحاتی بدهند .

مسئله سوم که در اینجا ذکر شد مسئله تقابل مخارج بود من در جلسه گذشته گفتم که تقابل خرج قابل دقت است اصولیکه برای تقابل خرج در این مملکت ممکن است اتخاذ شود بر چند قسم است یکی آنکه ممکن است بدون هیچ قیدی بگوئیم هر چه حقوق شهروندی در این مملکت گرفته شود نصف کنیم و اسمش را اصلاحات بگذاریم من کاملاً با این عقیده مخالفم ولی اعتراف میکنم که در این مملکت مستخدمین داریم که حقوق آنها به تناسب شغل و زحمتشان زیاد است و معتقدم که حقوق آنها بایستی کسر شود لیکن این اصل را فقط در باره روسای بزرگ باید مقرر داشت نه مستخدمین جزو

استخدمین زیر دست ادارات با گرانی وسایل زندگی حقوق کافی نمی گیرند و این حقوق تکافوی زندگی می نماید هر چه بی دست و پا تر و گرسنه ترند من معتقدم که تقابل حقوق بایستی بطور شاد و نادر نسبت بمقامات بزرگ اجراء شود ولی اصل نظریه من حذف کردن ادارات زیادی است اداراتی باید باقی بماند که حذف آن سبب کاهش زندگی و بزرگی و بزرگی دولت ایران بزرگی زیاد ندارد که برای تقنین خرج کنند برای همین تقنین ها بوده که دولت ایران مجبور شده با گرو گذاردن قانون اساسی خودش دست گدائی بطرف اجانب دراز کرده و استقلال خود را بر باد دهد من و تمام اهالی ایران میگوئیم که فلان اداره یا فلان شخص زیادی کارش معلوم نیست باید حذف شود آقای مدرس هم همین حرف را زدن عبارت دیگر گفتند بآن کسی باید پول داد که خدمت برای مردم میکند هر کس خدمت نمی کند یعنی خدمتش لازم نباشد نباید پول بگیرد مملکت دارالمعز نیست که از ضغفاء و از کسانی که قادر بکار کردن نیستند نگاهداری بکند ملت ایران فقیر تر از هر قبیله ای است و باید طرز پول خرج کردن را یاد بگیرد خرج کردن پول در مملکتی که پولش کم است خیلی مشکل بالاخره مملکتی که عایداتش جزئی است نمیتواند است بخودش اجازه تقنین بدهد با این نظریه من نمیدانم دولت موافق است یا مخالف و نمیدانم آیا کدام اصل را می خواهد در تقابل مخارج اجراء کنند من تأمین معاش و تأمین زندگی کارگرانی که کار میکنند و محتاج هستند و بعضی ادارات و اشخاص زائد هم موافقم ولی با آن فرض اولی بکلی مخالفم و شاید این مخالفت منحصراً بر بنده نباشد و آقایان نمایندگان دیگر ملت ایران هم با من هم عقیده باشند و بالاخره کسانی را لازم میدانند حقوق تمام بدهند ولی اشخاص زیادی را حذف نمایند مملکت ایران را مثل يك تجارتخانه فرض نمایند که دوچار بحران شده است يك تجارتخانه وقتی که دوچار بحران است چه میکند؟ مستخدمین زیادی خود را حذف میکنند و عذر آنها را میخواهد و آنها میفهمند که بواسطه تنگی و حسرت تجارتخانه وقتاً از آنها صرف نظر میکنند و با آنها امیدواری میدهد که انشاء الله در موقعی که گشایش در امور مالی تجارتخانه حاصل شد البته وجود آنها را لازم خواهد داشت این هم يك اصلی است که شاید در این خصوص اختلاف نظر ما بین مجلس و هیئت دولت باشد خوب بود آقای وزیر پست و تلگراف این مطلب را هم در جلسه گذشته یادداشت می فرمودند جواب میدادند يك مسئله دیگری که اینجا ذکر شد و شاید قابل اختلاف نظر باشد مسئله تکثیر عایدات نیست و تصور میکنم یا من مطالب خود را بداد کرده ام و یا آقای وزیر پست و تلگراف ملتت عرایض من نشده که من منکر تکثیر عایدات میشوم و شاید من هم اینقدرها از ترتیب بوجه دول اروپا اطلاع دارم و میدانم که آنها ابتداء مخارج خود را تعیین مینمایند اگر عایدات تکافو مخارج نمود و الا متوسل بمنابع دیگر میشوند اینقدرها از بوجه اروپا اطلاع دارم ولی اگر بگویم که من اجرای این ترتیب را در مملکت خودم مقصود نمیدانم ممکن است پس از اظهارات من آقای وزیر پست و تلگراف بر خیزند و عقاید مرا رد کنند من میگویم عایدات مملکت ما

باندازه که جلوه داده میشود کم نیست من میگویم قسمت اعظم کمی آب خزانه بواسطه این نیست که آب چشم است خیر آب کم نیست ولی سوراخ زیاد است شما پیش از آنکه بخودتان زحمت بدهید آب را زیاد کنید قدری زحمت کشیده و سوراخها را مسدود نمائید تا وقتی که سوراخها مسدود نشده هر قدری که شما آب را زیاد کنید باز همان تناسب با مواضع حاضره سوراخها زیاد خواهد شد در همان حال که نهایت درجه اعتقاد دارم در این مملکت بایستی پول زیادی وارد شود و منابع ثروت این مملکت زیاد شود با وجود این منکر قرض هستم چرا؟ زیرا که میدانم هر پول بزرگی وارد این مملکت شود سنگینی همان پول سوراخهای بزرگتری احداث خواهد کرد و بمجرد اینکه شنیده شود که پولی وارد این مملکت شده خرج تراشها خواهد شد قشون کشی مالازم خواهد شد و بالاخره این پول را این بار دیگر ممکن است بدوش من و شما تعجب شود اسباب این میشود که هم برای ما و هم برای شما اشکالاتی فراهم شود که نتوانیم آنها را رفع کنیم و از این پول برای ملت ایران چیزی جز تعجب باقی نخواهد ماند ولی بنا بر این اول قدمی که بایستی در قسمت تکثیر عایدات برداشت جلو گیری از افراط و تفریط و جوار گیری از مخارج فوق العاده است و لازمه این مطلب حسن جریان کار است که مقدمه آقای فقیه المالك چند کلمه را جمع به آن اظهاراتی داشتند و من کمال موافقت را با ایشان دارم پس از اینکه این سوراخها گرفته شد یعنی وقتیکه معلوم شد که يك رئیس محاسبات خراسان قادر نیست پنجاه هزار تومان پول دولت را بزد و دزدی مستخدم اروپائی هم پیدا نشود که دزدی او را بیوشاند و او را حمایت نماید خواهیم گفت عواید ما معلوم و حالا باید این عواید را خرج کنیم و بترتیب الاهم فالاهم رفتار نماییم در این زمینه نقطه نظر من اینست مخالف نظریه آقای وزیر پست و تلگراف است من عرض میکنم مملکتی که استطاعت تقنینی ندارد باید اساساً و اساساً خود را تعیین کند و بنسب آن عواید خرج برای خود تهیه نماید و تا این اصل اتخاذ نشود بنده چه راجع به پروگرام وجه در موقع لوائح بخصوص بمخارج با این نظریه مخالف هستم که يك تعمیم جدیدی چه بعنوان تکثیر مالیات و چه بعنوان استقراض خارجی تعمیم بر ملت ایران بشود زیرا اما اصلاحات نداریم يك بارهای گرانتری روی این بارهای سنگین بگذاریم ولی بنا بر این اگر نظر دولت در تکثیر عایدات به مالیاتهای جدید است میگویم من که اساساً تا موقعی که ندانم مالیاتهای سابق در چه راه خرج میشود باماده چهارم دولت مخالفم این عرایض من سوه تعبیر نشود من نمیگویم که اگر يك دهی موجود است و از آن ده مالیات گرفته نشود دیگر مالیات گرفته نشود من نمیگویم که اگر يك دهی ثروت زیاد دارد و از او مالیات می گیرند لیکن استمداد روی مالیاتهای زیاد تری دارد از او مطالبه نمایند اینها جزو مالیات جدید نیست اینها مالیات اراضی است که بایستی گرفته شود من منکر مالیات جدید هستم و مادامی که من ندانم عوارض معنی ما با احتیاجات معنی صرف میشود مخالف خواهم بود به همین نقطه نظر است که من میگویم بایستی مالیات نواقص جزو عدایه مملکتی صرف شود . مطابق قانونیکه از مجلس شورای ملی گذشته است مالیات نواقص برای رفع احتیاجات معنی وضع شده مالیات نواقص برای

این وضع شده که مردمان هر شهر در تاریکی حرکت میکنند بهر سوراخی سرنگون نگرند مالیات نواقص برای این نیست که این ادارات زیادی تشکیل شود آقای وزیر پست و تلگراف باید بدانند که این مسئله نیز قابل اختلاف نظر است و همین راجع باستقراض با زهم میگویم تا وقتیکه ندانم عواید مملکت ما کافی نیست و مادام که ندانم در باب مخارج نهایت درجه دقت شده است برای نخواهم داد که یکدیگر بر مالیات تکثیر شود و حق هم ندارم که یکدیگر تعجب بردوش ملت ایران بنمایم این بود اختلاف عرایض من که در جلسه گذشته گفتم و تصور میکردم که از طرف هیئت دولت بیشتر دقت خواهد شد و بالاخره مسائل شکافته خواهد شد بالعکس می بینم مذاکراتیکه میشود بیشتر از طرف نمایندگان است این لایحه فقط بکطرف ندارد بلکه طرف دیگران دولت است و البته در موقع مذاکره در پروگرام باید اعضای دولت مشارکت نمایند تا اینکه از اصطلاحات عقاید نور حقیقت آشکار شود و الا اگر بکطرف تکلم و بکطرف ساکت باشد گمان نمیکنم اثری داشته باشد و مطالب بجائی منجر شود مگر اینکه در تحت تاثیر خستگی بگویند این مذاکرات کافی است در حالی که معلوم است کافی نیست

**وزیر پست و تلگراف** - با اینکه قسمت عمده از اظهارات بلخ آقای سردار معظم را تصدیق میکنم تا چاره اینکه عرض نکنم که مسئله یا از نظرشان محوشده یا دقت فرموده اند .

اول مسئله پروگرام است که بنده عرض میکنم این پرسشی که آقای سردار معظم اتخاذ فرموده اند دو سال یا سه سال طول میکشد تا پروگرام از نظر آقایان بگذرد و بنده حالا تشریح میکنم خودتان ملاحظه فرمائید اینجا نوشته شده است تعدیل مالیاتها و ممیزی یکی از آقایان بر میخیزد و میگوید برای این ممیزی چه ترتیب و اساس اتخاذ خواهد شد آیا مملکتی که استطاعت تقنینی ندارد باید اساساً و اساساً خود را تعیین کند و بنسب آن عواید خرج برای خود تهیه نماید و تا این اصل اتخاذ نشود بنده چه راجع به پروگرام وجه در موقع لوائح بخصوص بمخارج با این نظریه مخالف هستم که يك تعمیم جدیدی چه بعنوان تکثیر مالیات و چه بعنوان استقراض خارجی تعمیم بر ملت ایران بشود زیرا اما اصلاحات نداریم يك بارهای گرانتری روی این بارهای سنگین بگذاریم ولی بنا بر این اگر نظر دولت در تکثیر عایدات به مالیاتهای جدید است میگویم من که اساساً تا موقعی که ندانم مالیاتهای سابق در چه راه خرج میشود باماده چهارم دولت مخالفم این عرایض من سوه تعبیر نشود من نمیگویم که اگر يك دهی موجود است و از آن ده مالیات گرفته نشود دیگر مالیات گرفته نشود من نمیگویم که اگر يك دهی ثروت زیاد دارد و از او مالیات می گیرند لیکن استمداد روی مالیاتهای زیاد تری دارد از او مطالبه نمایند اینها جزو مالیات جدید نیست اینها مالیات اراضی است که بایستی گرفته شود من منکر مالیات جدید هستم و مادامی که من ندانم عوارض معنی ما با احتیاجات معنی صرف میشود مخالف خواهم بود به همین نقطه نظر است که من میگویم بایستی مالیات نواقص جزو عدایه مملکتی صرف شود . مطابق قانونیکه از مجلس شورای ملی گذشته است مالیات نواقص برای رفع احتیاجات معنی وضع شده مالیات نواقص برای

و اطلاع دارند اگر دقت فرمائید متوجه خواهید شد که هیچ دولتی بدون اینکه مطالعه کند نمیتواند بگوید چه اصولی اتخاذ خواهیم کرد برای اینکه شاید آنروز اینجا اظهاری بکنند و بعد از آن چهار مشکلاتی بشود و میسر نشود آنرا اجراء کنند شما آن روز میگویند دولت فلانطور مخارج را تقبل کند ولی فکر نمیکنید که این دولت بیچاره باید بروی فکر بکند و مواضع را از بین بردارد آنوقت بنظر آقایان نمایندگان برساند که از روی چه اصلی تقبل مینماید آنوقت هر يك از آقایان دفاعی دارند بنمایند اگر ممکن است اصلاح بنمایند والا اگر دیدند مواضع چیزهایی است که نمیتوان تغییر داد رد میکنند و میگویند ما تقبل را با اینطور جایز نمیدانیم بلی در موضوع پروگرام يك بیاناتی شد و يك نصایح داده شد دولت هم از آن نصایح هر قدر میتواند استفاده میکند اما بعد از آنکه لوائح حاضر شد و به نظر آقایان و کلاه رسید خواهید دید که يك قسمت از آن عملی نیست و آمال است که در اینجا مذاکره میشود گویا هنوز بعضی از آقایان در مقتضیات مملکت دقت نکرده اند یکمرتبه نمیشود بجمع کثیری از مردم حقوق نداد تصدیق خواهید فرمود که این امور تدریجی الحصول است و باید برود انجام داد آقایان که از امور خارجی اطلاع دارند میدانند دولت انگلیس با تمام کارخانجات همش امروز یکی از قضایای مهمه اش که بیوسته اسباب زحمتش شده تهیه کار برای اشخاص بیکار است گاهی مجبور میشود با آنها پول بدهد و آنها را بفرستد بانظر طرف و آنطرف و یا اینکه مساعده بدهد یا اینکه با آنها کار بدهد در این صورت آیا بکدولتی که مشولیت تمام امور را دارد میتواند بعضی يك اظهاری که از طرف یک نفر از و کلاه میشود فوراً آنرا قبول کند البته امکان ندارد نه برای این دولت و نه هیچ دولت دیگر شما بدو باید بدولت وقت بدهید تا دولت غور کند و مطالعه کند و آرد کند که از چه قبیل مخارج تقبل کرد بعد می آورد بنظر شما می رساند هر جایش را تصدیق کردید اجراء میشود هر چه را تصدیق نکردید اجراء نمیشود مسئله دیگر اگر بنا شود تمام جزئیات در اینجا مذاکره شود و این ترتیب را قبول نمائید البته امکان ندارد زیرا این مسئله ثوری است و نمی شود عملی کرد مثلاً يك کسی بر می خیزد می گوید دولت بطور تعدیل مالیات می کند ما الان چهارده یا پانزده سال است در مشروطه هستیم هنوز نتوانسته ایم يك ترتیبی اتخاذ کرده و وسیله ممیزی را در مملکت فراهم ننموده بوجه را تعدیل کنیم شما می خواهید در این مجلس بگویند بوجه باید فلانطور تعدیل شود اساساً قبول می کنیم ولی پس از آنکه دولت نظریات خود را در این باب اتخاذ کرد مجلس می آورد و بنظر آقایان میرسد عقیده شما همه این است که بوجه در مملکت نباید نظر با احتیاجات مملکتی نوشته شود گمان می کنم اگر دقت فرمائید خواهید دید که بوجه نظر با احتیاجات و مصالح مملکتی باید نوشته شود

شما حال امروزه مملکت را به بینید تمام مقتضیات ایجاب می کند که چهار اردودر نقاط مختلفه مملکت نگاه داریم يك مخارج فوق العاده برای مطالب ضروری بکنیم آیا می شود فقط عایدات را تقسیم کرده و بآن اردوها گفت این صد تومان را هجائاً بگیرید خرج کنید دیگر نداریم؟ پس باید دید برای فقط حیثیات مملکت در مقابل عالم برای حفظ انتظام مملکت و آسایش مردم چه چیز لازم است باید از يك طرف احتیاجات ضروری را نوشت بطوریکه همه تصدیق کنند و در طرف مقابل هم عایدات مملکت را اگر آن عایدات تکافو کرد فها اگر تکافو نکرد یکی از دو کار را باید کرد یا يك مالیات جدید وضع کرد یا يك قرضی نمود حالا اینجا می گویند قرض نباید کرد بسیار خوب پس حتی المقدور باید سعی کرد مالیات جدید وضع کرد آن مالیات جدید را هم می گویند تعمیم بر ضغفاء و فقراء نشود پس برای اینکه بوجه تصویب شود و برای اینکه مخارج ضروری مملکت تأمین شود چه باید کرد؟ يك جمعی می گویند تعمیمات جدیدی بر کس نباید بشود جمعی دیگر می گویند استقراض نباید کرد اینطور که نمی شود باید دید احتیاجات مملکتی چه چیز را ایجاب می کند شما در صورتیکه با اطلاع هستید و جلو مردم میگویند باید دید عایدات چيست و آن وقت آن عایدات را با احتیاجات مملکت تقسیم کرد باید بدانید این يك اساسی است که در هیچ مملکتی قابل اجراء نیست باید احتیاجات مملکتی و لوازم مملکت و قشونی را شنید و از برای آن پول پیدا کرد چنانچه آقای مدرس هم تشریح کردند این دو مسئله را کاملاً مخالف و در سایر مسائل هم همانطور که عرض شد محتاج بلوایحی است که در آنجا بتدریج باید بنظر مجلس برسد و تصویب شود والا اگر بنا شود جزئیات پروگرام را تعقیب بکنید چنانچه عرض کردم ۳ سال هم تمام نمی شود و در يك از آنها يك مباحثاتی دارد یعنی يك (اسپر) هائمی است که باید متخصیصین تهیه کنند و لوازم آنها بنظر دولت برسانند و بعد دولت در آن مطالعاتی کرده اگر قبول کرد بمجلس بفرستد و بعد مجلس بکمیسیون بفرستد پس از تصویب کمیسیون بنظر آقایان و کلاه برسد آنوقت آقایان نمایندگان در آن مباحثه نمایند

**رئیس** - بقول آقای مدرس این ماده دوم هموار شده است و اغلب آقایان هم اجازه خواسته اند و مدتی هم از شب می گذرد اگر آقایان موافق باشند بقیه مذاکرات بماند برای جلسه آتی روز پنج شنبه

**مستشار السلطنه** - اشخاصی که اجازه خواسته اند اجازه های ایشان در موقع خود محفوظ است؟

**رئیس** - بلی

**وزیر بهداری** - نظر باینکه کارهای وزارت مالمیه خیلی زیاد است و يك نفر ممکن نیست بتواند هم در صد اصلاحات اداری بر آید و هم امور خارجی را انجام دهد و شخص بنده نمی توانم هم مشغول کارهای جاری باشم و هم در صد اصلاحات بر آیم لذا يك

موادی است پیشنهاد می‌کنم که هرچه زودتر تصویب شده و بنده بتوانم با فراغت بال مشغول اصلاحات اداری شوم

**رئیس** - این دوفقره لایحه که قرائت میشود آقای وزیر مالیه تقاضا نموده‌اند که پس از قرائت مجلس بفوریت آن‌را بدهند

(آقای تدین پیشنهاد وزارت مالیه را بمضمون ذیل قرائت نمودند)

ماده اول - دروزارت مالیه دو کمیسیون یکی بنام کمیسیون نظارت عایدات و دیگری بنام کمیسیون نظارت مخارج تشکیل می‌شود

ماده دوم - هر یک از دو کمیسیون مذکور در ماده دو کمیسیون فوق‌را از اشخاص صلاحیت دار بمجلس شورای ملی پیشنهاد می‌نماید و از میان شش نفریکه نسبت بسایرین حائز اکثریت آراء شده اند بصلاح دید خود سه نفر را برای عضویت کمیسیون نظارت عایدات و سه نفر را برای عضویت کمیسیون نظارت مخارج دعوت خواهد کرد و چنانچه بعضی از آنها از قبول عضویت کمیسیونها معافیت بخواهند وزارت مالیه از میان سایر انتخاب شدگان بترتیب عدل جای اعضاء مستعفی دعوت نماید

ماده چهارم - مدت نظارت کمیسیونها در موقعی که لوایح قانونی وزارت مالیه از تصویب مجلس شورای ملی بگذرد منقضی خواهد شد

ماده پنجم - حقوق اعضاء هر یک از دو کمیسیون بموجب پیشنهاد وزارت مالیه و تصویب مجلس شورای ملی تعیین و از تاریخ انعقاد کمیسیون پرداخته خواهد شد

ماده ششم - مسوده کلیه احکام و حوالجات صادره از ادارات وزارت مالیه که در عایدات و مخارج مملکتی اثر قطعی داشته باشد باید باتفاق یا اکثریت آراء کمیسیون کلیه تصدیق شده برای اعضاء وزارت مالیه ارسال گردد

ماده هفتم - حدود و اختیارات کمیسیونهای مزبور را وزیر مالیه تعیین خواهد نمود

ماده ششم - وزیر مالیه مأمور اجرای مواد فوق است لایحه قانونی فوق برای تصویب بمجلس مقدس شورای ملی تقدیم می‌شود (مصدق السلطنه)

**رئیس** - نسبت بفوریت این لایحه مغالنی نیست ؟

**سردار معظم** - آیا ممکن است پس از گذشتن از کمیسیون در باب فوریتش رأی داده شود یعنی بدو بکمیسیون فرستاده شده بعد بمجلس می‌آید رأی داده شود ؟

**رئیس** - می‌شود

**سردار معظم** - اگر اینطور بشود بهتر است چون فرقی نمی‌کند اگر مجلس بفوریتش رأی داد یک‌شور و اگر رأی ندهد دوشور در آن می‌شود و البته بهتر خواهد بود که کمیسیون میرود چون کمیسیون هم این مسئله را در نظر گرفته زودتر رایورت خواهد داد

**رئیس** - ولی ماده ۷۶ نظامنامه بکفایتی این

مسئله را تردید میکنند ماده ۷۶ قرائت میشود ملاحظه میفرمائید

(آقای تدین بمضمون ذیل قرائت کردند)

ماده ۷۶ - اگر مجلس فوریت آن مطلب را تصدیق نماید مطلب مزبور را یا بشعبات یا بیکگی از کمیسیونهای مربوط بآن که سابق تشکیل شده رجوع می‌نماید و نیز مجلس می‌تواند خود فوراً بآن لایحه یا طرح قانونی رسیدگی کند و این در صورتی است که مخصوصاً در این باب رأی داده شود

**رئیس** - از این ماده چنین مستفاد میشود قبل از اینکه برود بکمیسیون باید در فوریت لایحه رأی گرفته شود

**رئیس** - مستشار السلطنه آقای وزیر مالیه خودشان هم موافقت تا اینکه پیشنهاد برود به کمیسیون مالیه

**رئیس** - بلی می‌دانم موافقت چه موافقت باشند چه نباشند باید بکمیسیون برود ولی حرف در فوریت لایحه است

**فتح الدوله** - در صورتی که هنوز نسبت بیک هیئت دولتی رأی اعتماد داده نشده چگونه میتوان او را قبول کرد ؟

**رئیس** - همان وقت که رأی دادیم داخل در مواد پروگرام شدیم رأی اعتماد داده ایم - نسبت بفوریت این لایحه مغالنی نیست ؟ (اظهاری نشد) - رأی می‌گیریم آقایانیکه فوریت این لایحه را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد لایحه دوم قرائت میشود

(آقای تدین بمضمون ذیل قرائت نمودند)

ماده واحده - وزارت مالیه کلیه لوایح قانونی که باید بمجلس پیشنهاد نماید بطور نظامنامه تا یکمندی که مجلس برای تجربه و آزمایش آنها لازم است در ادارات جدید التاسیس خود بجزیران انداخته و بعد از تجدیدنظر آنها را بصورت لوایح قانونی بمجلس شورای ملی تقدیم بپیشماید

ماده واحده برای تصویب بمجلس شورای ملی تقدیم میشود (مصدق السلطنه)

**حاج شیخ اسدالله** - بکرتبه دیگر لایحه را بخوانید

(مجدداً قرائت شد)

**رئیس** - آقای محمد هاشم میرزا - من ملتفت نشدم مقصود از نظامنامه چه چیز است قانون هائی است که برای امور مالیه لازم است و بطور نظامنامه میخواهند اجرا کنند یا چیز دیگری است ؟ توضیح بدهند تا بنده ملتفت شوم

**رئیس** - راجع به فوریت می‌خواهم رأی بگیریم **محمد هاشم میرزا** - رأی بفوریت موکول بدهم

**سردار معظم** - بنده با فوریت این لایحه مخالفم زیرا این لایحه مطالبی دارد که باید وقت تلف شود و این مطلب تازه وارد مجلس شده است و نمایندگان هنوز وقت و مطالعه نکرده‌اند ما باید در این باب درست وقت کنیم و پس از وقت و مطالعه رأی بدهیم - بهتر

این است که بطریق هادی برود بکمیسیون قوانین مالیه چون این ماده گنگ و محتاج بدقت است مجلس شورای ملی نمیتواند در اینطور موارد بدون مطالعه اطراف یک رأی بدهد و ممکن است روحاً یک اختلافی حاصل شود یعنی مجلس شورای ملی بفوریت مطلب رأی بدهد و بعد کمیسیون قوانین مالیه اصل مطلب را رد کند بنابراین مطلب محتاج بفکر و دقت است خوب است ارجاع شود بکمیسیون بدون اینکه رأی بفوریت آن داده شود و پس از اینکه از کمیسیون بمجلس آمداگر لازم شد راجع به فوریتش رأی داده شود

**فهییم المملک** - چون این ماده قدری مبهم و گنگ است گمان میکنم اگر بکمیسیون مالیه هم برود از آن چیزی فهمیده نشود مگر اینکه بکفایتی واضح تر یعنی طوریکه مقصود را بفهماند پیشنهاد بکنند آنوقت کمیسیون برود

**وزیر مالیه** - بنده هم موافقم که ابتداء به کمیسیون ارجاع شود بعد رأی بفوریت آن گرفته شود

**رئیس** - پس میماند برای جلسه آتی - آقای نصرت الدوله سؤالی از آقای وزیر معارف دارند آیا قبل ایشانرا مستعضر کرده‌اند

**نصرت الدوله** - بلی مختصراً از آقای وزیر معارف میخواهم سؤالی کنم که نسبت بشکایت یکمده از مدارس ملی که مدتست بمجلس داده از ادارات دولتی متشکی هستند چه اقدامی فرموده‌اند؟ چون ما در طهران چند مدرسه داریم که دولت بآنها کمک نمیکند در صورتی که چندی قبل بواسطه تهیه کردن بعضی عایدات و تحمیل کردن صدی یک از حقوق مستخدمین ادارات یکمده از این مدارس را دوات تکفل کرد و در همان موقع هم گمان میکنم دولت وعده داده که بقیه مدارس را هم تکفل کند و حالا مدتی از آن وعده میگذرد و این باگرانی حاضرند قدرت آنرا ندارند که بتوانند حقوق معلمین را داده و مدارس را اداره کنند باین جهت تصمیم گرفته‌اند که عن قریب تعطیل کنند و تمام آنها نسبت باین مسئله متصد شده‌اند و گمان میکنم باید بآنها حق داد برای اینکه آنها برای تربیت کردن اطفال ما زحمت میکشند و باید از دارائی خود که ندارند) خرج اینکار بکنند و بودجه مدارس را تعدیل نمایند - حالا باید دید که آیا دولت تصدیق میکند که این مدارس تعطیل کنند و تصمیمی را که اتخاذ کرده‌اند اجرا نمایند - در این صورت یک قسمت از شاگردان و اطفال که بآن مدارس میرفتند امروزی مدرسه و معلم خواهند ماند و اگر دولت وجود آنها را لازم میدانند چه نظریه اتخاذ کرده‌وبه چه ترتیب میخواهد رفع شکایت آنها را بکند

**وزیر معارف** - معلمین مدارس ملی چند روز قبل نزد بنده آمدند و از تنگدستی و اینکه نمیتوانند کار خود را ادامه دهند اظهاراتی کردند بنده هم از طرف دولت به آنها وعده کردم که چند روزی صبر کنند وزارت معارف در این باب غور کند بآنها کمک میکند باشاگردان مدارس آنها را تعویب میکند البته دولت راضی نخواهد شد این مدارس بسته شود و

اینکه فرمودید یک مالیات و یک هوارضی هست که دولت از آن عواید چندین مدرسه را تکفل میکنند همان مدارس هم حالا دوجار یک هسرت خیلی زیادی شده‌اند البته وظیفه دولت است که هم حقوق عقب افتاده معلمین مدارس دولتی را برساند و هم بآنها کمک بنماید که مدارس آنها بسته نشود و امیدوارم عنقریب این آرزوی بنده حاصل شود یعنی بآنها کمک بکنیم یا شاگردان آنها را تعویب می‌گیریم چون بنده خودم معلم هستم از تنگدستی آنها مسبوقم و میدانم معلمین که به آنها پول نمیرسد اصلاً نمیتوانند درس بگویند - سلولهای دماغ آنها خسته میشود و حاضر بدرس دادن نیستند بنده خودم شخصاً حس میکنم و این مطالب را هم به آنها گفته‌ام و امیدوارم بزودی این مطالب خاتمه پیدا کند و آنها راحت شده و قدر و قیمت واقعی معلمین دانسته شود

**نصرت الدوله** - بنده را این جواب آقای وزیر معارف چون متضمن تعهد صریحی بوده از طرف دولت قانع کرد ولی امیدوارم یک اقدام خیلی سریعی بنمایند چون گذشتن وقت برای آنها خیلی مشکل تر است تا برای اشخاصی که نخواهند برای آنها فکر کنند

**وزیر معارف** - در باب معلمین خیلی خوشوقتیم که دولت عموماً و آقای وزیر مالیه خصوصاً نهایت همراهی را دارند لهذا اولین پولیکه بوزارت معارف برسد اول بمدراسی که دولت تکفل شده تأدیبه و بعد آنها را مراقبت خواهد نمود

**رئیس** - آقای آقا سید یعقوب از آقای وزیر پست سؤال دارند آیا قبلاً مسبوقشان کرده‌اید ؟

**آقا سید یعقوب** - حالا مسبوقشان میکنم مدتی است که افکار اهالی طهران عموماً راجع به پستخانه متوجه اعضاء آن اداره کتابچه در این موضوع منتشر کرده‌اند و از قراریکه شنیده میشود کنترات (نویسور) تمام شده است و از نقطه نظر سابقه خدمت هم گمان میکنم مطابق آن کتابچه هائی که خوانده‌ایم قابل هم نباشد که کنترات تجدید شود نمیدانم آقای وزیر پست بایشان اخطار کرده‌اند که کنترات ایشان تمام شده است یاخیر ؟

**وزیر پست و تلگراف** - همینطوریکه آقای اظهار داشته کنترات مسبو نویسور امروز که هجدهم اکتبر است منقضی میشود ولی از طرف دولت باو اخطار شده است که موقتاً مشغول کار خود باشد تا وقتی که کنترات او پیشنهاد بمجلس شود و اما اینکه می‌فرمائید کتابچه‌ها چاپ شده است البته باین کتابچه‌ها و طرفیت باینکه بین نویسور و اجزاء پست پیدا شده اهمیت نباید داد و البته جزئیاتش را بکمیسیون پست و تلگراف عرض خواهم کرد و کمیسیون بمجلس تقدیم خواهد نمود آنوقت بسته بنظر مجلس است هر طور که مجلس تصویب کرد همان قسم رفتار خواهد شد

**آقا سید یعقوب** - البته کتابچه همینطور است که فرمودند ولی ما از اهل ایران هستیم و در ایران تحصیل کرده‌ایم بیست و پنج سال قبل که بنده از شیراز

آمدم قبل از دخول اروا بیها در پست آنها را مرتب دیدم بعد از آنهم در ایران خیلی مسافرت کرده‌ام و اگر سابقه بعلوم اروا بیها نداشته باشم لیکن با مدرکات و محسوسات خودم دو چشم دارم می‌بینم و دو گوش دارم می‌شنوم خراسان مشرف شده‌ام گیلان مازندران همه جا را سیر کرده‌ام لغاً مناسب ندارد عملیات پولتر . . . .

**رئیس** - آقا از حدود سؤال خارج شدند اگر میخواهید استیضاح نمایند امری است هلیجه والا از موضوع سؤال خارج است

**آقا سید یعقوب** - خیر استیضاح ندارم

**رئیس** - اشخاصی که برای عضویت کمیسیون قوانین مالیه تعیین شده‌اند:

آقای طباطبائی - آقای فهییم المملک - آقای معتمد الدوله - آقای عماد السلطنه طباطبائی - آقای اقبال السلطان - آقای سلطان العلماء - آقای میرزا ابراهیم خان - آقای شیخ محمد جواد - آقای سردار معظم خراسانی - آقای بیان الدوله - آقای عبدالملك - یکنفر دیگر هم که اکثریت پیدا نکرده باید تعیین شود

**وزیر معارف** - بنده تقاضا میکنم دستور فرمائید جلسه آتی کمیسیون معارف وصحبیه انتخاب شود

**رئیس** - جزء دستور گذاشته‌ایم هیئت رئیسه راجع برائی که درباره مرخصی آقای رفعت الدوله داده است تشکیک که بنده تشکیکی نکرده‌ام چون اکثریت هیئت رئیسه شك کرده‌اند که راپورت را بطور رأی داده یعنی قضایا اشتباهاً رأی داده‌اند باین جهت موافق نظامنامه با ورقه رأی می‌گیریم مفاد راپورت کمیسیون این بود که اجازه نمیدهد برفتن آقای رفعت الدوله - آقایانیکه رأی میدهند بایستی در زمینه کمیسیونها تصویب میکنند و بر مرخصی آقای رفعت الدوله رأی نمیدهند ورقه سفید آقایانسی که مفاد راپورت را تصویب میکنند یعنی اجازه مرخصی میدهند ورقه کبود خواهند داد

پس از اخذ آراء آقای سهام السلطان استخراج نمود (بترتیب ذیل نتیجه حاصل شد)

عده حضار ۶۸ ورقه سفید علامت موافقت با راپورت کمیسیون ۱۷ ورقه آبی علامت رد ۲۵

**رئیس** - نه در خدمت قبول دستور جلسه آتی روز پنجشنبه دو ساعت بفرود - اولاً بقیه مذاکرات راجع به پروگرام هیئت معترم دولت - ثانیاً شور در قانون تشکیلات کمیسیونهای نظارت جمع و خرج - ثالثاً انتخاب کمیسیون معارف هشت نفر کمیسیون استیضاح (مخالفتی نشد)

مجلس چهار ساعت از شب گذشته ختم شد

**جلسه ۴۴**

**صورت مشروح مجلس**

**یوم پنجشنبه بیست و هفتم میزان ۱۳۰۰ مطابق هیجدهم صفر ۱۳۴۰**

مجلس نیم ساعت قبل از غروب در تحت ریاست